

«فریدون آدمیت» پدر تاریخ‌نویسی مدرن ایران روزی که به تاریخ پیوست، پرونده تاریخی را بست که این بار نه روایتگر که رویتگر آن بود و خود موضوع آن؛ تاریخ زندگی ۸۷ ساله مورخ و محقق که نامش یادآور «جامع آدمیت» است که پدرش میرزا عباسقلی خان قزوینی به همراه جمعی از مریدان میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، از پیشاهنگان تجدد و نوگرایی در ایران بنیان نهاد و خود تاریخ مشروطیتی را نوشت که سرآغاز نوسازی سیاسی - اجتماعی بود و روایت زندگی اصلاح‌گرانی را شرح داد که یک چندی حتی همین کتاب‌ها به لطف عدم تجدید چاپ چون او نایاب شدند. آدمیت دیپلماتی کهنه‌کار و باسواد بود که خانه‌نشینی مورخش کرد؛ تاریخ‌نگار آزادی که آزادی خواهی‌اش وی را از جرگه تاریخ‌سازان جدا کرد و چنان شد که نه روایتگر صرف تاریخ که تحلیلگر آن شد و در این رهگذر مخالفینی سرسخت را برای خود آفرید. زندگی آدمیت خود تاریخی است از تاریخ‌نگار مشروطیت که از خانه پر رفت و آمد «جامع آدمیت» به خانه خلوت «فریدون آدمیت» رسید.

در خانه مشروطه‌طلبان

فریدون آدمیت در سال ۱۲۹۹ شمسی در تهران به دنیا آمد. پدرش عباسقلی خان

قزوینی بود که در سال ۱۳۰۳ قمری وارد جرگه سیاسی شد و با آشنایی با میرزا ملکم خان ناظم الدوله در زمره مریدان او فرار گرفت و انجمن «جامع آدمیت» را با همان اصول فکری و مرامنامه ملکم به وجود آورد. عباسقلی خان در جوانی به دستگاه میرزا یحیی خان قزوینی مشیرالدوله پیوست و پس از انتصاب یحیی خان به وزارت عدلیه، به آن وزارتخانه رفت و مشیرالدوله بود که عامل آشنایی وی با محافل روشنفکری و یاران میرزا ملکم خان شد. فریدون آدمیت در فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ملکم را مردی جامعه شناس و سیاسی، بسیار زیرک و دانا، دلیر و مبارز توصیف می‌کند که «در تاریخ بیداری افکار و نشر عقاید آزادیخواهی در ایران مسلماً مقام او بی‌همتاست.» با کشته شدن ناصرالدین شاه و سپری شدن دوران طولانی سلطنتش قوت و حدت استبداد کم شد و در آن دوره عباسقلی خان یک جمعیت سزای سیاسی به نام «جامع آدمیت» تأسیس کرد. برخی مورخین جامع آدمیت را سومین تشکیلات شبه ماسونری ایران می‌دانند. این انجمن هر چند برخی آداب و رسوم سازمان‌های فراماسونری از جمله نحوه عضوگیری و علائم مخصوص اعضا و مخفی کاری را رعایت کرد اما سازمان‌های فراماسونری جهانی هیچگاه آن را به رسمیت نشناخته‌اند. مرامنامه انجمن دو اثر از میرزا ملکم خان با عنوان‌های «اصول آدمیت» و «دفتر حقوق اساسی فرد» که اولی مردم را به انسان دوستی و قیام بر ضد جور و پیدادگری و دومی به شناسایی و تشریح حقوق انسان راهنمایی می‌کرد. جامع آدمیت بر مسلک غیرانقلابی استوار بود و بنیان فلسفه سیاسی آن بر «مشروطیت و محدودیت» قدرت سلطنت و انفصال قوای دولت بنا شده بود. آدمیت می‌نویسد که جامع سه هدف اصلی داشت: انجام مهندسی اجتماعی برای نیل به توسعه ملی، حصول آزادی فردی به منظور شکوفایی فرد انسانی و کسب مساوات قانونی برای همگان، بی‌توجه به دین و نژاد به خاطر تضمین منزلت کلیه آحاد جامعه. پیوستن میرزا علی اصغرخان اتابک و محمد علی شاه قاجار اوج فعالیت‌های جامع آدمیت بود که پس از بازداشت رئیس جامع آدمیت در پی ترور اتابک و دست یافتن مقامات دولتی به اسناد و مدارک جامع، هویت این انجمن فاش شد و شاه با قبول شروط عباسقلی خان مبنی بر رفتن به مجلس شورای ملی و ادای سوگند به تقویت مشروطیت و نیز تعهد سپردن برای اجرا و احترام به اصول قانون مشروطه از در مفارقت با انجمنی‌ها درآمد. روزگار وفق مراد بود تا روزی که مجلس شورای ملی به دستور محمد علی شاه به توپ بسته شد و استبداد صغیر آمد و گرچه گزندی به اعضای جامع آدمیت نرسید و برخی اعضایش بعدها به اولین لژ رسمی فراماسونری ایران - لژ بیداری ایران - پیوستند

اما عباسقلی خان تا پایان عمر (۱۳۱۸ شمسی) در انزوا به سر برد. عباسقلی خان که درگذشت، فریدون برای آزمون نهایی دبیرستان دارالفنون آماده می‌شد، دارالفنون که امیرکبیر بنایش کرد و آدمیت در آنجا از استادانی چون «جلال همایی» و «محمد صدیق حضرت» بهره‌ها برد و حال مرگ پدر می‌توانست مانعی در ادامه تحصیلات او بشمار آید، اما ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)، از دوستان پدرش که به ادامه تحصیلات دانشگاهی فریدون آدمیت علاقه داشت، کارش را دنبال کرد و پیش برد.

### آدمیت دیپلمات

آدمیت از دبیرستان به دانشکده حقوق و علوم سیاسی رفت و در سال ۱۳۲۱ فارغ‌التحصیل شد. پایان‌نامه دانشگاهی‌اش را دربارهٔ زندگی سیاسی میرزا تقی خان امیرکبیر با عنوان امیرکبیر و ایران؛ یا ورقی از تاریخ ایران نوشت که دو سال بعد از فارغ‌التحصیلی، در ۱۳۲۳، با مقدمه استادش محمود محمود که به آدمیت می‌گفت «آن جوان بسیار آراسته و جدی»، به صورت کتاب معروف امیرکبیر و ایران منتشر شد.

آدمیت افسر نظام وظیفه بود که عصرها بعد از دانشکده افسری گذرش به کافه فردوس می‌افتاد که پاتوق صادق هدایت و دوستانش بود. آدمیت امیرکبیر و ایران را به هدایت و دکتر حسن شهید نورایی (استاد تاریخ و عقاید اقتصادی در دانشکده حقوق) داد و هدایت کتابش را ستود و توصیه کرد دوستانش نیز بخوانند. شهید نورایی هم ترجمه قطعه‌هایی، اثر یکی از اقتصادشناسان نامدار آلمان (در مبحث انتقاد از اقتصاد استعماری) را به آدمیت سپرد که برای جلد دوم امیرکبیر و ایران در مبحث اقتصاد، از آن بهره‌گیرد. آدمیت همواره از هدایت و شهید نورایی با احترام قلبی یاد می‌کند. هما ناطق، مورخ برجسته ایرانی از قول او می‌گوید: «هدایت بزرگوارترین انسانی بود که در میان هموطنانم شناختم. در میان هر قوم و قبیله‌ای و از هر رده‌ای.» آدمیت در دوران دانشجویی و از سال ۱۳۱۹ به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. قرعه فال اقبال به نام آدمیت زدند و وزارت خارجه در سال ۱۳۲۳ او را به بریتانیا اعزام کرد تا دبیر سفارت ایران در لندن شود؛ دوره پنج ساله‌ای که آدمیت در کنار کسب تجارب دیپلماتیک، در دانشکده علوم سیاسی و اقتصاد لندن (ال اس ای)، تاریخ سیاسی و فلسفه سیاسی خواند. خودش می‌گفت «علوم غربیه غربیه به مزاجم بهتر می‌ساخت» و همین عاملی شد تا به توصیه‌ها به او که می‌گفتند «برای ادامه تحصیلات به مدرسه السنه شرقیه برو» اعتنایی نکند. از دانشگاه لندن دکتر گرفت. فارغ‌التحصیلی که چارلز ویستر رئیس

آکادمی و استاد تاریخ روابط بین‌الملل در وصفش نوشت: «آقای آدمیت در تحقیق تاریخ روابط دیپلماسی تهران در دوره اوایل سده نوزدهم، علاوه بر پشتکار و مهارت فنی، نمودار بصیرت و تفکر تاریخی استثنایی است. همچنین در دوره‌های دیگر تاریخ دیپلماسی آرشیوهای وزارت امور خارجه انگلستان، وزارت هندوستان و منابع خطی کتابخانه موزه بریتانیا تحقیق کرده است. بدان مراتب، آقای آدمیت در تاریخ روابط دیپلماسی ایران در سده نوزدهم دانش استثنایی کسب کرده است و یقین دارم که می‌تواند تأثیر بزرگی در تحول تحقیقات تاریخی در ایران داشته باشد، انتظار دارم در آینده آثار مهمی به وجود بیاورد.» پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۲۸ معاون اداره اطلاعات و مطبوعات و سپس معاون اداره کارگزینی وزارت امور خارجه شد و در سال ۱۳۳۰ به عنوان عضو هیأت نمایندگی ایران به سازمان ملل متحد اعزام شد که طی هشت سال مأموریت خود در آنجا، تارتبه وزیر مختاری پیش رفت. آدمیت در ۱۳۳۴ دومین اثر خود را با عنوان جزایر بحرین: تحقیق در تاریخ دیپلماسی و حقوق بین‌الملل به زبان انگلیسی در نیویورک منتشر کرد. پس از بازگشت از سازمان ملل در مهرماه ۱۳۳۹ سفیر ایران در لاهه شد که آغاز دوره ۲۰ ساله داوری بین‌المللی در «دیوان دائمی حکمیت» دادگاه لاهه بود. مأموریت مهم بعدی او، تصدی مقام سفارت ایران در هند در سال ۱۳۴۲ بود و در دوران سفارتش، جواهر لعل نهرو، نخست وزیر وقت هند را در نخستین سفر رسمی‌اش به ایران همراهی کرد. آدمیت هنگامی که به عنوان سفیر ایران در هند منصوب شد، شاه در استوارنامه‌اش چنین آورد: «... لازم می‌دانیم یکی از مأمورین شایسته و مورد اعتماد خود را به سمت سفیرکبیر و نماینده فوق‌العاده در آن کشور تعیین نماییم...» پس از پایان دوران سفارت دوساله‌اش در هند، مشاور وزیر امور خارجه شد و از همان سال (۱۳۴۴) وقت خود را صرف مطالعه و تحقیق در عصر مشروطیت کرد و طی بیش از ۲۰ سال فعالیت، منورالفکران عصر مشروطه و مهم‌ترین حوادث سیاسی اجتماعی دوران آغازین تاریخ ایران مدرن را در بیش از ۲۵ عنوان کتاب و مقاله تألیف و منتشر کرد. آنچه به او فراغ خاطر بیشتری برای تاریخ‌نگاری داد درخواست بازنشستگی‌اش از وزارت خارجه بود؛ دیپلماتی که دبیر دوم سفارت ایران در لندن، معاونت اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، معاونت اداره کارگزینی، دبیر اول نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد، رایزن سفارت ایران در سازمان ملل، نماینده ایران در کمیسیون حقوقی تعریف تعرض، مخبر کمیسیون امور حقوقی در مجمع عمومی نهم، نماینده ایران در کنفرانس ممالک آسیایی و آفریقایی در باندونگ،

سفیر ایران در لاهه، مسکو، فیلیپین و نهایتاً هند بود. در اعتراض به تصمیم شاه مبنی بر اعطای استقلال به بحرین که از قضا برای اولین بار در دی ۱۳۴۷ در سفر محمدرضا پهلوی به هند اعلام شد و در ۱۳۵۰ رسماً از خاک ایران جدا شد، نامه معروف سه جمله‌ای را نوشت: «تقاضای بازنشستگی دارم.»

### سال‌های عزلت

می‌توانست با سواد و تجربه‌ای که داشت بماند و از تاریخ‌سازان دیپلماسی شود اما بازنشسته شد تا از تاریخ‌نگاران مشربطیت شود؛ مورخی که روزی «پدر تاریخ‌نگاری مدرن ایران» خوانده شد. برخی اقبال تاریخ‌پژوهان حکایت از آن دارد که در سال ۱۳۴۹ انتشار کتاب اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده او با واکنش برخی مواجه شد و ساواک بر آن شد که کتاب مذکور را برای پیشگیری از جریحه‌دار شدن احساسات مردم جمع‌آوری کند. این منابع می‌افزایند در پی جمع‌آوری این کتاب از سوی ساواک، شاه شخصاً به وزارت اطلاعات و همچنین وزارت فرهنگ و هنر می‌گوید: «با چه جرأت و اجازه‌ای کتابی را که از دست علیاحضرت شهبانو جایزه دریافت کرده است، توقیف کرده و دستور جمع‌آوری آن را «داده‌اید؟» در نامه رئیس دفتر مخصوص شاه به وزارت فرهنگ و هنر این گونه آمده است: «ذات مبارک ملوکانه امر و مقرر فرمودند فوراً اجازه انتشار کتاب اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده نوشته فریدون آدمیت که از طرف علیاحضرت شهبانوی ایران به اعطای جایزه مفتخر شده است، صادر گردد. در اجرای اوامر مطاع مبارک خواهشمند است نتیجه اقدام را گزارش فرمایند تا به شرف عرض برسند.» وزارت فرهنگ و هنر به پیوست نامه محرمانه دفتر مخصوص شاه، این یادداشت را به شهربانی و رونوشت آن را برای ساواک فرستاده است: «با ارسال رونوشت نامه محرمانه شماره ۴ - ۳۸۰/م مورخه ۵۰/۱۲/۲۸ دفتر مخصوص شاهنشاهی درباره کتاب اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده که طبق مفاد آئین نامه ثبت و انتشار کتاب از طرف کتابخانه ملی به شماره ۲۸۴ مورخ ۴۹/۲/۴ به ثبت رسیده، لیکن انتشار آن متوقف گردیده است، خواهشمند است دستور فرمایید از هر اقدام فوری که در اجرای اوامر مطاع ذات مبارک شاهانه معمول می‌دارند، وزارت فرهنگ و هنر را نیز مطلع سازند. رونوشت به انضمام رونوشت محرمانه ۴ - ۳۸۰/م مورخ ۵۰/۱۲/۲۸ جهت اطلاع به سازمان اطلاعات و امنیت کشور ارسال می‌شود.» در پی ارسال این نامه، ساواک طی یک گزارش مفصل، خبر از رفع توقیف کتاب اندیشه‌های میرزا فتحعلی

آخوندزاده می دهد.

دهه پنجاه شمسی برای فریدون آدمیت که دهه پنجم عمرش را می گذرانند جز در معدود موارد شرکت در جلسات لاهه همه به تحقیق و نگارش گذشت. در سال ۱۳۵۷ که کانون نویسندگان بار دیگر آغاز بکار کرد، آدمیت ریاست نخستین جلسه عمومی آن را عهده دار شد، دوره‌ای که کانون به جای آنکه در جهت مسؤلیت صنفی اش پیش برود، جامعه سیاسی-ایدئولوژیک بر تن کرد. پس از انقلاب، آدمیت از جمله نویسندگانی بود که با صدور بیانیه‌ای ۱۰ ماده‌ای خواهان اجرای قانون اساسی، آزادی انتخابات، آزادی مطبوعات، آزادی زندانیان سیاسی و رعایت اعلامیه حقوق بشر شدند و به همین دلیل، حقوق بازنشستگی اش از وزارت امور خارجه از سال ۱۳۵۹ قطع شد. دومین استعفای آدمیت اما در راه بود؛ وداع با کانون نویسندگان؛ می گفت: «اغلب این حضرات نه به آزادی قلم و آزادی عقیده اعتقاد دارند، نه به خصلت صنفی کانون، نه به قواعد دمکراسی.» از جماعت نویسندگان کانونی هم فاصله گرفت و عزلت نشینی را پسندیده تر دید.

امیرکبیر و ایران، آشفتنگی در فکر تاریخی، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ایدئولوژی نهضت مشروطیت (جلد اول)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت (جلد دوم): مجلس اول و بحران آزادی، تاریخ فکر (از سومر تا یونان و روم)، شورش بر امتیازنامه رژی، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، فکر دمکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران و مقالات تاریخی حاصل سال‌ها تحقیق در عرصه مشروطیت است. کتاب‌هایی که چون نویسنده‌اش نایاب شدند و برخی از آنها به سختی توانست تجدید چاپ بگیرد. امیرکبیر و ایران که تا آغاز انقلاب اسلامی پنج بار تجدید چاپ شده بود، در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ منتشر شد اما پس از آن امکان انتشار نیافت تا سال ۱۳۷۸ که با روی کار آمدن اصلاح طلبان، فضای فرهنگی اندکی بازتر شده بود، اما اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار حتی در آن دوره نیز امکان نشر نیافت تا اینکه هر دو کتاب توانست مهرماه ۱۳۸۶ دوباره مجوز تجدید چاپ بگیرد؛ این هم شاید از طنازی‌های روزگار است که تجدید چاپ دو اثر آدمیت درباره دو اصلاح طلب بزرگ دوره قاجار در دوره اصولگرایان میسر شد و وزارت ارشاد دولت احمدی‌نژاد به کتاب‌هایی اجازه تجدید چاپ داد که یکی همچون امیرکبیر چنانکه آدمیت معتقد است هوای مشروطه در

سرش بود و دیگری همچون سپهسالار که درباره‌اش نوشت: «امروز که مردم از سپهسالار یاد می‌کنند، مسجد و مدرسه و خانه او را به یاد می‌آورند. دستگاه عمارتی که با جنبش مشروطیت ملازمت تاریخی یافت...»

تاریخ‌نگاری آدمیت تحلیلی - انتقادی است؛ خود را «فیلسوف تاریخ» می‌خواند، می‌گوید: «تاریخ‌نگار واقعی معمار فکر است نه تنها مدرس افکار. پرونده نقد آثار و افکار آدمیت اما همچنان مفتوح است؛ هنوز هستند محققینی که تاریخ‌نگاری آدمیت را به نقد می‌نشینند و مرگ وی به این جدال‌ها پایان نخواهد داد؛ به هر حال «آدمیت مُرد، گرچه آدم زنده بود».



<p style="text-align: center;"><b>آیوایا بولیس</b></p> <p style="text-align: center;"><b>رشته‌های رومانتیسم</b></p> <p style="text-align: center;">عبدالله کوشی</p>		<p>برنده‌ی جایزه کتاب سال ۱۳۸۶</p>	<p>آیوایا برلین که رومانتیسم را «بزرگ‌ترین تحولی که تاکنون در زندگی انسان غربی روی داده» می‌خواند، در این کتاب با بیانی دقیق و شیواکه و یژگی همه‌ی آثار اوست، سرگذشت این جنبش فکری و هنری را از نخستین مراحل شکل‌گیری تا قرن بیستم دنبال می‌کند. او نخست تحولات اجتماعی و فرهنگی اروپا، خاصه آلمان، را بررسی می‌کند و آنگاه به آرا و افکار متفکرانی که در این جنبش پیشگام و در تحول آن مؤثر بوده‌اند می‌پردازد و نیز گرایش‌های گوناگون درون این جنبش را توضیح می‌دهد. اما برلین فقط گزارشگر تاریخ رومانتیسم نیست، بلکه از تأثیر اندیشه‌ی رومانتیک‌ها بر همه‌ی ابعاد زندگی مردمان غرب، از هنر و ادبیات تا گرایش‌های فلسفی و سیاسی، همچون ناسیونالیسم، فاشیسم و آکزیستانسیالیسم تصویر روشنی به دست داده است. و بدین سان با جنبه‌های نیک و بد این تحول عظیم از دیدگاه داور کم‌نظیری چون آیوایا برلین آشنا می‌شویم.</p>	<p>نشرنامه ۶۶۹۵۱۸۸۰</p>
---	--	--	---	-----------------------------